

دانشمند و سیاستمدار ماندگار



مصطفی ایزدی
روزنامه نگار

زیادی با نوشتن دو قرارداد ظالمانه گلستان و ترکمن چای از دولتمردان ایرانی گرفت. نگارنده نمی خواهد همه تقصیر این شکست‌ها را به گردن علمای آن زمان بیندازد، اما می‌پندارد اگر در غیر روحانیون، دانشمندان برجسته و متخصصان عالیقدر و تحصیلکردگان دلسوز و فهیم می‌داشتیم و حوزه مشاورت پادشاه و فرماندهان نظامی قاجار و نیز عنان افکار عمومی تا حدودی در دست این قشر فرهیخته بود، سرنوشت جنگ‌های ایران و روس غیر از آنچه اتفاق افتاد، رقم می‌خورد. با این پندار می‌توان به نیاز جامعه ایران به دانشمندان کاردان و دلسوز و فداکار در عرصه حکمرانی و حداقل در حوزه مشاورت دولتمردان و تصمیم‌گیران کشور، همچون زنده یاد مهندس مهدی بازرگان پی برد.

بعد از این گریز مختصر به آغاز تاریخ معاصر ایران، به بعضی از نوشته‌های پیشینم که درباره مهندس بازرگان مراجعه می‌کنم و در ادای احترام به آن مرد بزرگ تقدیم می‌کنم. باید بپذیریم که اگر کسی بخواهد درباره شخصیت شخیص و مقام شریف مهندس بازرگان بگوید و بنویسد، باز هم افزون بر میلیون‌ها واژه می‌خواهد که توصیف او به حق برآید و تصویری از منزلت او به کمال درآید. مهدی بازرگان از هفت دهه قبل، چهره‌ای شناخته شده بود، اما دو سه دهه اول آن در میان اهل علم و مبارزه شهرت داشت، پس از آن، هنگامی که مبارزات اسلامی گسترش یافت و دامنه آن بر عموم مردم گسترده گردید، محبوبیت بزرگانی چون بازرگان فراگیر شد و در میان گروه‌های گوناگون مردم و اقشار متعدد جامعه وسعت یافت.

در جریان پیروزی انقلاب، آوازه مهندس بازرگان از مرزهای ایران و کشورهای اسلامی گذشت و در سطح جهان طنین انداخت. این شهرت، اگرچه برای مردم ایران افتخار آمیز بود، اما نقصی در این میان رخ نمود که پس از آن برای علاقمندان و دوستداران او و نیز برای فرزندان برومندش زمینه‌ای فراهم نشد که آن را جبران نمایند.

امروز توفیق پیدا کردم که با نوشتن یادداشتی به یاد مرد شریف تاریخ معاصر ایران و کارگزار شایسته در جمهوری اسلامی ایران، مهندس مهدی بازرگان بنویسم و در بیست و ششمین سالگرد درگذشت او ادای وظیفه کنم. اما پیش از پرداختن به زندگی و رفتار و کردار وی، اشاره‌ای گذرا به وضعیت این گونه شخصیت‌های کمیاب در تاریخ معاصر ایران می‌شود.

ایران معاصر، از نظر هویت انسانی و داشتن انسان‌های ارزشمند، به ویژه در میان شخصیت‌های غیر حوزوی، نسبت به سده‌های پیشین، برتری قابل توجهی دارد. درگذشته‌های دور و حداقل تا اواسط دوران قاجار، قریب به اتفاق شخصیت علمی و یا اجتماعی که داشته‌ایم، به دلیل انحصار فراگیر علوم در حوزه‌های علمی و البته تحصیل علوم دینی، روحانی بوده‌اند. روحانیون هم البته از صفوی به بعد که دوران پیدایش آن‌ها بوده، همراه با پادشاهان و درباریان پیشرفت می‌کرده و عموماً به حکمرانان خط می‌داده‌اند یا آنان را به موازین شرعی مورد قبول خودشان آشنا می‌کرده‌اند.

بدیهی است در این میانه گاهی تفاهماتشان به هم می‌خورده و به اختلاف می‌رسیده‌اند و چه بسا روحانیون بلند پایه‌ای در مقابل پادشاهان زورگو می‌ایستادند و مردم را هم علیه حکومت تحریک می‌کردند. مثلاً در زمان جنگ‌های ایران و روس که حدوداً ۲۲۰ تا ۲۰۰ سال پیش به تناوب رخ داد و بخش‌هایی از کشور پهناور ایران جدا و به روسیه الحاق شد، علمای مذهبی بلند پایه دو دسته شدند، عده‌ای همراه شاهان قاجار مردم را به شرکت در جنگ تشویق می‌کردند و عده‌ای هم در تقابل با دربار قاجار، مردم را از شرکت در جنگ باز می‌داشتند.

این اختلافات مرکز کشور و ایجاد تزلزل در میان مردم، به اضافه بعضی فریب‌ها و ندانم‌کاری‌های فرماندهان جبهه ایران در جنگ و اختلاف آنان با کاخ نشینان قاجار و البته قدرت بالای نظامی دشمن، ارتش ایران مغلوب شد و روسیه امتیازات

را نکه می دارند و برای ماندن در جایگاه بی ارزش حکمرانی دست به هر جنایتی می‌زنند، مهندس بازرگان نه تنها هیچ رنجی را برای دیگران فراهم نکرد، بلکه خود قدرت را برای عاشقان قدرت واگذاشت و بازم به دنبال مطالعه و پژوهش و نویسندگی رفت، تا آثار جدیدی برای راهنمایی مردم منتشر سازد.

مخالفان مهندس بازرگان، این وسعت نظر را نداشته و ندارند که اگر نقدی به رفتار سیاسی و شیوه حکومتگری او دارند، از گسترش اندیشه‌های آموزنده و آثار علمی او جلوگیری نکنند. اگر متولیان امور، دوست دارند که کشورمان از نظر فرهنگ، دوران فرهنگسازای قرون پیشین خود را تکرار کند، راهی جز باز گذاشتن دست دانشمندان و باز کردن مسیر علم و دانش ندارند. مسیری که در آن بعد علمی شخصیت قرآن پژوه، اسلام شناس و استاد علوم و فنون معاصر، مرحوم مهندس مهدی بازرگان و میراث مکتوب او توسط دوستان و شاگردان وی برای اندیشمندان جوان باز تعریف شود تا بر دانش و سواد آنان بیفزاید. بازرگان حق بزرگی بر گردن روشنفکران، دانشگاهیان و حوزویان دارد. ارج نهادن بر این حق و پاسداری از آن، انتشار افکار و آثار آن دانشمند گرانقدر است. جز این، آنان که در این سی و چند سال بر شخصیت او تاختند، به خود آیند و جبران مافات نمایند.

جوانان امروز باید بدانند که مهدی بازرگان یک آذری غیور و پاکباز بود که در تهران پای بر هستی گذاشته و در یک خانواده نجیب و محترم بالیده و رسم فتوت و مردانگی را در دامان مادری متدین آموخته است. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران خواند. بازرگان جزو اولین گروهی از جوانان بود که برای تحصیل به خارج اعزام شدند. بازرگان در فرانسه دروس مهندسی را فراگرفت و به ایران باز گشت. از سال ۱۳۱۳ که مهندس بازرگان وارد تهران شد تا سال ۱۳۷۳، یعنی دقیقاً به مدت ۶۰ سال چه رنج‌ها برد و چه فعالیت‌ها کرد شرح این ۶۰ سال را باید در کتابی چند جلدی نگاشت تا حق مطلب ادا شود. فقط باید قبول کرد که مهندس بازرگان زنده است ع زنده!

چرا بازرگان زنده است؟ این پرسش دارای دو وجه است. یکی، اصلی و دیگری، فرعی. وجه اصلی آن از زنده بودن بازرگان خبر می‌دهد و وجه فرعی آن از چرایی زنده بودن او. شاید بعضی‌ها، به ویژه کسانی که خود را آنقدر ارزشی می‌پندارند که ارزش‌های مرد بزرگی چون مهندس مهدی بازرگان را نمی‌بینند و چنین پرسشی را از اصل قبول ندارند. اما واقعیت این است که مهدی بازرگان نزدیک به هفتاد سال است که با اندیشمندان و روشنفکران مذهبی ایران - و بعضاً خارج از ایران - زندگی می‌کند و افراد شایسته این سرزمین او را کنار خود می‌بینند و با همه وجود او را حس می‌کنند. اگر چه این دانشمند متدین، نزدیک به سی سال است که دنیای فانی را واگذاشته و پای به جهان باقی گذاشته، اما مگر می‌توان مردان نیک و انسان‌های نیکنام را مرده پنداشت؟ تنها شعار ارزنده شاعر شیراز نیست که گفته: سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز. مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند، بلکه یک اندیشه بشری و یک ایده عقلی و وجدانی است.

با این مقدمه به پاسخ پرسش بالا می‌رسیم که آری، بازرگان زنده است و همچنان در میان محافل و مجالس و بلکه در جامعه ما حرف می‌زند و یاد او همیشه و همه جا اعلام

زنده یاد مهندس بازرگان علاوه بر این که یک مبارز بی باک و آزاداندیش بود، یک دانشمند برجسته نیز بود. با این تفاوت که او عالم و دانشوری بود که در دو بعد پیشرفت قابل توجهی داشت. بازرگان همان گونه که یک استاد علوم فنی و مهندس در دانشگاه و در حوزه صنعت یک صنعتگر شایسته بود، در علوم اسلامی و دانش دینی یک دانشمند پرکار و یک اندیشمند متدین بود. وقتی ناموری او جهانگیر شد، تنها بعد مبارزاتی و سیاسی این صاحب منصب ایرانی به چشم می‌آمد و بعد علمی او، همچنان در بخش نه چندان بزرگ جامعه، محدود ماند و تنها روشنفکران علاقمند به مباحث مذهبی، از آثار ارزشمند علمی - دینی وی بهره می‌گرفتند، در صورتی که روا بود این بعد زندگی و شخصیت او نیز به همگان معرفی شود. واقعیت این است که جامعه آن روز یک جامعه سیاسی و عمیقاً سیاست زده بود. در جامعه سیاست زده، چهره‌های سیاسی برمی‌آیند و شخصیت‌های چند بعدی، در نگاه عموم از بعد سیاسی برفراز می‌شوند.

بازرگان سیاستمدار در میان نسل انقلاب کرده، بسیار شناخته شده تر از بازرگان دانشمند بود. مردم بیش از آنکه کتاب‌های او را بشناسند، وزرای او را می‌شناختند. هم اکنون نیز اسامی پدیده‌های علمی که محصول تلاش فراوان مهندس بازرگان است، برای خیلی از افراد اهل مطالعه، غریب می‌نماید، اسامی‌ای چون: «آموزش تعالیم دینی»، «آموزش قرآن»، «احتیاج روز»، «اختیار»، «از خداپرستی تا خودپرستی»، «اسلام جوان»، «اسلام مکتب مبارزو مولد»، «انسان و خدا»، «انگیزه و انگیزنده»، «باد و باران در قرآن»، «برسی نظریه اریک فروم»، «برنامه تربیت و تعلیم دینی»، «بعثت و ایدئولوژی»، «بعثت و تکامل»، «بی‌نهایت کوچک‌ها».

«پراگماتیسم در اسلام»، «تبلیغ پیغمبر»، «توحید، طبیعت، تکامل»، «ترمودینامیک زندگی»، «چگونه باشیم»، «خانه مردم»، «خدا در اجتماع»، «دعا»، «دل و دماغ»، «ذره بی انتها»، «دین و تمدن»، «سازگاری ایرانی»، «سرچشمه استقلال»، «علی و اسلام»، «علمی بودن مارکسیسم»، «عشق و پرستش»، «سرّ عقب افتادگی مسلمانان»، «مذهب در اروپا»، «مطهرات در اسلام»، «نیک نیازی» و و دهها عنوان کتاب دیگر، به اضافه یک سری کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه فنی و مهندسی برای مطالعه و بهره برداری اساتید و دانشجویان دانشکده‌های فنی تألیف شده است.

به یقین زمان زیادی را که مهندس مهدی بازرگان صرف مطالعه، تحقیق، تألیف و کار علمی می‌کرد، بسیار بیشتر از آن بود که این اندیشمند پارسا، در راه مبارزه گذرانده است، هر چند که او در ردیف نامدارترین مبارزان تاریخ معاصر ایران ایستاده و نمی‌توان عمر شریف او را به دو بخش مجزای تلاش علمی و تلاش سیاسی تقسیم کرد، اما می‌توان گفت او چه در دانشگاه، چه در زندان، چه در مدیریت‌های اجرایی و چه در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، همیشه و همه جا با کتاب و قلم مانوس بوده و روزگار خویش را در دنیای دانش و پژوهش سپری کرده است.

پرباری درخت دانش او، از وی شخصیتی متواضع، بدور از قدرت طلبی، مردم دار و محبوب ساخته بود. در اواخر سال ۵۷ الزاماً بر بلندترین پایه قدرت اجرایی ایستاد، اما همگان دیدند که او بعد از شش ماه، خود از آنجا فرود آمد و برعکس قدرتمندان و قدرت طلبان ریز و درشت داخلی و خارجی که با هر ابزاری، حتی ریختن خون هموعان خود، قدرت خود

بازرگان سیاستمدار
در میان نسل انقلاب کرده،
بسیار شناخته شده تر
از بازرگان دانشمند بود.
مردم بیش
از آنکه کتاب‌های
او را بشناسند،
وزرای او را می‌شناختند

هر کس به میل خود عمل کند و آن را انقلابی گری بنامد، جامعه ای نیست که دولتمردان بتوانند آن را به خوبی اداره نمایند. با این دیدگاه، کسانی که از هم پاشیدگی امور، بهره خویش می بردند، در مقابل مهدی بازرگان و دولت منتخب او که با مشورت امام خمینی و بزرگان انقلاب انتخاب کرده بود، ایستادند. در چنین شرایط، به خصوص پس از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، که از نظر دولت موقت، اقدامی برخلاف تعهدات بین المللی و یک نوع مقابله با قانون جاری بود، بازرگان چاره ای جز استعفاء و کناره گیری از مسئولیت خود نداشت. او نمی توانست همچنان مسئولیت داشته باشد، اما نتواند خدمت کند. صداقت بازرگان و بی علاقگی اش به پست و مقام، در اقدام او متجلی شد. چنین مقام متواضع و خادم ملت مسلمان ایران، نه تنها در تاریخ معاصر ایران، بلکه تا همیشه تاریخ زنده است.

۳ - در ایران امروزی، کسانی هستند که مقام های بلندی هم دارند، اما تحمل دیگران را ندارند، دیگران که اعتقادات، گوناگونی دارند و در مشی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی،



حتی در روش حکومت داری، با جمعی از دولتمردان و حامیان آن ها، تفاوت دارند. به این بلند پایگان تنگ نظر چه باید گفت؟ به نظر نگارنده این افراد اگر دولتمردان کشوری چون هندوستان بودند از جمعیت یک میلیارد و دویست و پنجاه میلیونی آن، کمتر از بیست میلیون مردم آن را قبول داشتند و یک میلیارد و دویست و سی میلیون نفر آن، به دلیل این که هر کدام اعتقادات، سنت ها و ادیان دیگری دارند، مشکل دار می شدند. مردمی که در ایران از نظر آقایان مشکل دارند، در چه شرایطی زندگی میکنند؟ همان اکثریت قریب به اتفاق جمعیت هندوستان دچار چنین شرایطی بودند. این افراد، مهندس مهدی بازرگان را که مسلمان و شیعه و انقلابی و اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی و متدین و خوشفکر و دلسوز و ... است را چه در زمان حیات و چه پس از آن، مورد هتک قرار داده و چنین وانمود می کنند که مردم ایران او را قبول ندارند، زیرا او مردم را و امام را و انقلاب را قبول نداشت !!!

بدیهی است این گونه افراد تنگ نظر که بهتر است آنان را متحجر بنامیم، راه به جایی نمی برند و قدرت آنان در تغییر دیدگاه مردم، ضعیف است. لذا شک نباید کرد که متحجرین و تنگ نظرها، نمی توانند، بازرگان را، از چشم مردم بیندازند. این ها باید بپذیرند که مهندس بازرگان زنده است. اکنون که بیست و ششمین سالگرد درگذشت این پیر فرزانه است باید غصه بخوریم که چرا او را از دست داده ایم؟ زیرا در این زمان بسیاری از دولتمردان به دلائل گوناگون قابل اعتماد نیستند و اگر مهندس مهدی بازرگان در قید حیات بود مردم به راحتی به او اعتنا می کردند و برای خدمتگزاری وی را بر می گزیدند.

حضور می کند. دلائل این ادعا را با پیشینه ای که از مهندس مهدی بازرگان سراغ داریم. در این یادداشت مختصر یادآوری می کنیم:

۱ - در فرهنگ ایران و اسلام، چه کسانی با چه ویژگی هائی در ردیف انسان های خوب و شایسته می ایستند؟ مگر نه این است که افراد متدین و خدا ترس می توانند جزء این ها باشند؟ مگر نه این است که انسان های شجاع و انقلابی (به مفهوم مبارز، که برای رفع ستم مبارزه می کنند) در این



ردیف اند؟ مگر نه این است که دانشمندان دلسوز و متعهد و زمان شناس، جزء این ها هستند؟ مگر نه این است که افراد پاکدست و زحمتکش و پر تحرک برای زندگی سالم خود و دیگران، جزء این ها هستند؟ مگر نه این است که افراد راستگو، مودب؛ اخلاق مدار و مردم دار، جزء این دسته از انسان ها هستند؟ شما یکی یکی این ویژگی های مثبت و با ارزش را در نظر بگیرید و تصویری از مهندس بازرگان را با این ویژگی ها در آمیزید، آیا غیر از آنچه او در طول زندگی سیاسی و علمی و اجتماعی اش داشت و رفتار می کرد، می بینید؟ بازرگان را با مردان بزرگ ایران اسلامی بسنجید و شایستگی های او را در کنار شایستگی های بزرگان این سرزمین قرار دهید تا به حقیقت ادعای این قلم پی ببرید، در این صورت به این نتیجه می رسید که بازرگان زنده است.

۲ - مهندس بازرگان در دورانی که مسئولیت اجرایی داشت، چه در دوره مصدق و چه در عصر جمهوری اسلامی، نشان داد که خدمت به ملک و ملت اگر براساس اعتقادات خود و مردم کشورش باشد، خدمتگزاری درستی است. او اعتدال و پاکدستی و قدرت دولت مرکزی را اصل حکومت داری خود قرار داده بود، اما در آخرین مسئولیت اجرایی که داشت. دیگران او را به کند کاری، مخالفت با انقلاب و انقلابیون و نشناختن فضای سیاسی و اجتماعی جامعه متهم کردند.

در صورتی که مسئولیت چند ماهه او در مقام نخست وزیر ایران نشان داد که صلاح مردم و انقلاب را در نظر داشته و ایستادگی وی در مقابل یک سری از تند روی ها، اگر چه مورد انتقاد بسیاری از رقبای او بود، چندان که گفته اند، ناروا و ناراست نبوده است. اکنون که نزدیک به سی و پنج سال از آن روزهای خوش می گذرد، مردم میهن اسلامیمان به درستی متوجه این ضرورت شده اند که اعتدال، درمان درد مشکلات کشورمان می باشد.

بازرگان با تجربه ای که از دوران مسئولیت هایش در دوره مصدق و اندکی پس از آن داشت و نیز از تجربه ای که در دوران دانشگاه و در بخش خصوصی کسب کرده بود، با داشتن جوانان از تند روی ها و افراطی گری ها را بهترین شیوه برای رسیدگی به امور معیشتی مردم دانست و روی آن عمل می کرد، چرا که جامعه بدون قانون و بهم ریخته و این که

ایستادگی وی
در مقابل یک سری
از تند روی ها، اگر چه مورد
انتقاد بسیاری
از رقبای او بود،
چندان که گفته اند،
ناروا و ناراست
نبوده است